

Journal iranian political sociology

Vol. ۵, No.۷, Mehr ۲۰۲۲

<https://dx.doi.org/۱۰.۳۰۵۱۰/psi.۲۰۲۲.۳۰۹۴۰۹.۲۴۳۴>

Application of the concept of transition period in preventing the development of child and adolescent delinquency

Abstract:

This descriptive analytical method and using library and documentary tools, tries to provide strategies to prevent the development of crime in this period. The concept of the period of transition is the rotation of a culture, society and civilization and its disgust and tendency towards foreign and alternative culture, society and civilization. During the transition period, due to the conflicts and contradictions that children and adolescents develop with them in the development of their personality in society; Perversion and absolute commission of crimes will increase. The purpose of preventing growth in the transition period is to control the mental and psychological well-being of children and adolescents and to prevent social and cultural rupture with their own society. The results suggest that ignoring these subcultures if they do not pay attention to the various dimensions of broken window theory and criminal behaviors such as labeling them may lead to the formation of "nervousness against national interests and security." In this case, the occurrence of unrest, damage to public order and security of society is inevitable. This phenomenon can be exacerbated by social learning, criminal government, weak domestic media, criminal acts of dissident media, poor education. Without eliminating the causes of the increase in crime in the period of transition and social and situational prevention, and reforming the governance structure, we can not see successful preventive growth in the field of education alone.

Keywords: Transition period, Developmental orientation prevention, Delinquency, Children and adolescents

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره هفتم، مهر ۱۴۰۱، صص ۶۷۵-۶۶۴
<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.309409.2434>

کاربرد مفهوم دوره انتقال در پیشگیری رشد مدار از بزهکاری کودکان و نوجوانان

سعید هلیلی (نویسنده مسئول)^۱

سید محمد کیان^۲

تاریخ دریافت : ۱۳۹۹/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۳

چکیده :

این پژوهش با روش تحلیلی توصیفی و با استفاده از ابزار کتابخانه ای و اسنادی، سعی در ارائه راهبردهای پیشگیری رشد مدار از بروز جرایم در این دوره دارد. مفهوم دوره انتقال چرخش از یک فرهنگ، جامعه و تمدن خودی و انزجار از آن و گرایش به سمت فرهنگ، جامعه و تمدن بیگانه و جایگزین است. در دوره انتقال به دلیل تعارض ها و تناقضاتی که کودکان و نوجوانان در تکوین شخصیت خود در جامعه با آنها رشد می کنند؛ کجروی و ارتکاب مطلق جرایم رشد فزاینده ای خواهند داشت. هدف از پیشگیری رشد مدار در دوره انتقال، کنترل ذهنی و روانی کودکان و نوجوانان و پیشگیری از گسست اجتماعی و فرهنگی با جامعه خودش است. نتایج حاکی است : نادیده گرفتن این خرده فرهنگ ها در صورت عدم توجه به ابعاد مختلف نظریه پنجره شکسته و رفتارهای جرم زا مانند برچسب زنی به آنها ممکن است منجر به شکل گیری «عصبیتی علیه منافع و امنیت ملی» شود. در این صورت بروز اختشاش و آشوب، آسیب به نظم عمومی و امنیت جامعه اجتناب ناپذیر است. این پدیده می تواند با یادگیری اجتماعی، دولت مجرم، ضعف رسانه های داخلی، اقدامات جرم زای رسانه های معاند، ضعف آموزش و پرورش تشدید شود. بدون رفع علل افزایش جرم در دوره انتقال و پیشگیری های اجتماعی و وضعی و اصلاح ساختار حاکمیتی نمی توانیم شاهد پیشگیری رشد مدار موفقی در عرصه آموزش صرف باشیم.

واژگان کلیدی : دوره انتقال، پیشگیری رشد مدار، بزهکاری، کودکان و نوجوانان

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری اطفال و نوجوانان، گروه حقوق دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

halilisaeed@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، گروه حقوق، واحد امارات متحده عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، دوی، امارات متحده عربی.

Smkian2024@gmail.com

دوره انتقال به عنوان یک مفهوم جامعه شناختی، در حقیقت سیر تغییرات اجتماعی و فرهنگی در جوامع را تبیین می کند. این مفهوم دارای ویژگی هایی از که اگر بخواهیم در یک جمله ساده ماهیت آن را بیان کنیم می توان گفت: « انزجار از فرهنگ و جامعه خودی و گرایش به فرهنگ و جامعه ای که برای فرد مطلوبیت دارد ». این گرایش و چرخش سبب تغییرات اجتماعی و فرهنگی عمیقی در سطح جامعه خواهد شد که بسته به شرایط جامعه بومی که فرد در آن زندگی می کند، دارای بازه های زمانی متفاوت است. سیر دوره انتقال و تغییرات ناشی از آن می تواند موجب تعارض و تناقض شخص با موجودیت خویش و جامعه خود شود و زمینه کجروی و افزایش ارتکاب انواع جرایم (بطور مطلق) در شخصی که در این سیر قرار دارد، پدید آید. مهمترین سیل و جامعه هدفی که این پدیده جرم زا در معرض آن قرار دارد کودکان و نوجوانان هستند. مسئله اصلی این پژوهش پاسخ به این سؤال است که مینا، علل افزایش جرم در دوره انتقال چیست و چه راهبردهایی برای کنترل و کاهش میزان جرایم ارتكابی در این بازه زمانی می توان یافت و پیشنهاد داد؟ در این تحقیق ضمن تبیین مفهوم دوره انتقال، با اتکاء به حقایق موجود در جامعه ایرانی و ریشه یابی علت شناسانه و استناد به تحقیقات میدانی موجود توسط پژوهشگران پیشین در حوزه جرم شناسی و جامعه شناسی جنائی و با کمک گرفتن از روش تحلیلی-توصیفی و استفاده از ابزار کتابخانه ای به بیان راهکار در حل چالش موجود می پردازیم.

۲- مبانی نظری : تبیین نظریه دوره انتقال :

در صد سال اخیر جهان دچار تغییرات اجتماعی و فرهنگی فراوانی شده است. این تغییرات اجتماعی و فرهنگی یکی از مهمترین ارکان شکل گیری دوره انتقال است. برای شناخت ملموس از دوره انتقال و تغییرات فرهنگی و اجتماعی، « دوره مدرنیته » مصداق مناسبی است که در جامعه شناسی به عنوان یک نظریه قابل اتکاء تبیین شده است. با توجه به نظریات دورکیم، با بروز « مدرنیته غربی » همگی عناصر انسجام بخش سنت به زوال رفته و قابلیت ایفای نقش در همبستگی و کنترل اجتماعی را از دست می دهند. بر این اساس بقای سنت و مدرنیته در کنار هم امکان ندارد و اگر ممکن باشد، زودگذر و مقطعی می باشد. با این وجود در جوامع جهان سوم، سنت همچنان نقش خود را ایفاء می کند و علیرغم ایجاد تناقض و تعارض در جامعه بخشی از هویت و پیشینه این جوامع است. تقابل سنت و مدرنیته، گاهی در حد تناقض و تعارض ساده و گاهی بحران اجتماعی نمود پیدا می کند. (محسنی تبریزی، سلیمانی، ۱۳۸۹، ص ۳۰) توسعه صنعت و تمدن شهری، جابجایی و مهاجرت، از بین رفتن اعتقادات دینی، تحت الشعاع قرارگرفتن ارزش های سنت در برابر جامعه مدرن، کاهش پیوند های عاطفی، بالا رفتن سطح زندگی و مصرف زدگی در کنار توان اقتصادی دولت ها برای برآورده کرده آنها از عناصر مهم بر افزایش میزان جرائم می باشد. (محسنی تبریزی، سلیمانی، ۱۳۸۹، ص ۲۹) برای تبیین بهتر دوره انتقال مورد دیگری که می تواند از مصادیق این دوره باشد و به آن اشاره کرد «جهانی سازی» است. یافته های محققان پژوهش های میدانی مؤید افزایش کجروی و جرم در پدیده جهانی سازی فرهنگی و اجتماعی است.

از نظر برخی پژوهشگران با رویکرد تحقیقات میدانی: « یافته های تحقیقات میدانی نشان داده است که بخش کوچکی - اندکی بیش از یک سوم - از پاسخگویان در حد متوسط و بالا در معرض فرایندهای جهانی شدن (رسانه ها و ارتباطات جهانی) قرار دارند. اما گرایش به ارزش های جهانی در حد بالایی است. در این رابطه پاسخگویان به دو بعد از ارزش های جهانی که حاوی ارزش های نسبتاً عام تری، مثل اقتصاد بازار و آزادی های مدنی و حقوق شهروندی، هستند (فرهنگ داوز و کلپ دانشگاهی)

گرایش بیشتری دارند تا به جنبه های خاص تر آن که معرف سبک زندگی روزمره غربی است (مک ورلد). در ارتباط با کجروی فرهنگی، گرایش بیش از نیمی از پاسخگویان در حد متوسط تا زیاد بود. همچنین در پژوهش های میدانی پیشین یافته ها نشان داد، کسانی که بیشتر در معرض فرایندهای جهانی شدن قرار داشتند، گرایش بیشتری به ارزش های جهانی، و در نتیجه، گرایش بیشتری به کجروی های فرهنگی داشتند. متغیر مهم پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده در جهت مثبت و متغیر مهم دینداری خانواده، در جهت منفی با ارزش های جهانی و کجروی فرهنگی رابطه داشتند. نکته دیگری که شایسته تأمل است این است که با آنکه نسبت پاسخگوییانی که در حد متوسط و بالا در معرض فرایندهای جهانی شدن قرار داشتند کم است، میزان گرایش به ارزشهای جهانی و تاحدودی کجروی فرهنگی در بین آنان نسبتاً بالا است. « (سراج زاده، بابائی، ۱۳۸۹، ص ۶۵) در بررسی نظریه های « مدرنیسم » و « جهانی سازی » که هر یک به نوعی از مصادیق « دوره انتقال » محسوب می شود؛ رکن اصلی انتقال از یک فرهنگ، جامعه و سبک زندگی مشخص، به فرهنگ، جامعه و سبک زندگی دیگر است که پژوهشگران این روند را همراه با افزایش نرخ ارتکاب جرم می دانند.

از مفاهیم جامعه شناختی که مصادیق اثبات شده بسیاری دارد و موجب افزایش جرم و عدم انطباق کودکان و نوجوانان با جامعه خویش را به اثبات رسانده است نظریه « دوره انتقال » است. دوره انتقال دوره ای که جامعه تیپ خودش را در همه ابعاد آن عوض می کند. از خصوصیات دوره انتقال موارد ذیل است: ۱- سست شدن هنجارهای اجتماعی. ۲- پدیده از خود بد آبی: یعنی بد آمدن انسان از فرهنگ و اجتماعی که به آن تعلق دارد. ۳- از خود بیگانه شدن. ۴- دیگر پرستی یا تعلق خاطر به فرهنگ و جامعه دیگر: بدین معنا که از خود بد آمدن به دیگر پرستی منتهی خواهد شد. ۵- ناتوانی از نقد فرهنگ و جامعه غالب ۷- فاصله گرفتن از آداب و رسوم، سنتها و سقوط همه ارزش های اخلاقی. ۹- افزایش جرم و جنایت بطور مطلق ... (شریعتی، ۱۳۹۴، ص ۴۵ آلی ۴۹)

لئونید لویتین^۱، دانشمندی که با دوره انتقالی سر و کار دارد، می نویسد: « آنها معمولاً واژه های دوره انتقالی را به خوبی درک می کنند و فکر می کنند که این امر بین گذشته و آینده است. در ظهور دوره گذار، مطابق چنین نظرات، گذشته - علت، آینده - به عنوان یک قصد ظاهر می شود. همانطور که از این نظر مشاهده می شود، " دوره انتقالی " به معنای "متوسط" است. البته چنین دیدگاهی می تواند مبنای مهمی برای توسعه نظریه گذار باشد. نظرات مختلفی در مورد دوره انتقالی وجود دارد و تلاش ها برای تدوین نظریه روشن آنها ادامه دارد. در حقیقت، دوره انتقالی یک مفهوم گسترده و بسیار پیچیده است، که فرآیند انتقال تکامل کشورها از یک مرحله به مرحله دیگر است. گستردگی مسئله این است که مقیاس مشکلاتی که در آغاز دوره گذار بوجود می آیند، کاملاً گسترده است و عدم وجود استانداردهای مشخص در تجربیات کشور، توانایی تهیه "مدل" برای هر کشور است تا آن را به واقعیت تبدیل کند. پیچیدگی دیگر این مسئله این است که هر کشور به استفاده موثر از ظرفیتهای موجود داخلی ضرورت دارد و نیاز به یک لایه فکری سازمان یافته، که قادر به حل مداوم « اهداف مشترک » باشد، اجتناب ناپذیر است. این روند یک قانون عادی است که کشورها باید از همان ابتدا در گذار به مرحله بعدی خود بکار گیرند. انتقال از یک مرحله اقتصادی - اجتماعی به مرحله دیگر یک قانون کلی است، اما مراحل انتقال به این مراحل با یکدیگر متفاوت است. شیوع این پدیده نیاز به حرکت به مرحله جدید در نتیجه عدم موفقیت قدیم در تأمین خواسته های توسعه است. از این نظر، جهت اصلی در دوره انتقالی " بازگشت به گذشته " نیست، بلکه " حرکت رو به جلو به آینده " است، افزایش از پایین به بالا یا سطح بالاتر از توسعه نسبت به قبل است. تلاش های مختلف برای نجات رژیم قدیمی، خونریزی و فجایع مختلفی که ملت با آن روبرو شده اند (صرف نظر از درجاتی که رخ می دهد) روند اصلی دوره انتقالی هنوز بدون تغییر باقی مانده است. دوره علمی که دوره انتقالی را بررسی می کند "ترانزیولوژی" نامیده می شود و از کلمه لاتین "transitus" - "انتقال" گرفته شده است. در ترانزیولوژی، دوره انتقالی به عنوان

^۱ Leonid Levitin

بخشی از زندگی اجتماعی، مرحله رشد اجتماعی، محتوای اصلی آن - مدرنیزاسیون، تجدید جنبه های اقتصادی، سیاسی و معنوی جامعه تعریف می شود. بالاترین نقطه این دوره دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و همچنین ایجاد ثبات در ساختارهای سیاسی و اجتماعی کشور است. با این حال، پاسخ به این سوال که این "نوسازی" چه معیار اندازه ای باید داشته باشد، ضروری است؟ در واقع، "زمان" فقط یک روند پیش رونده و متحرک است. اگر این مورد باشد، چه زمانی انتقال انجام می شود؟ آیا ملاکی برای کامل بودن وجود دارد یا اینکه یک فرآیند مداوم به عنوان "زمان" است؟ در واقع، در تفسیر ما از دوره انتقالی، ما از آن به عنوان یک دوره ضروری برای تبدیل از یک رژیم اقتصادی اجتماعی به رژیم دیگر یاد کردیم و مطابق با ایده مفهومی ما، این یک روند تدریجی است که پس از یک دوره زمانی مشخص به پایان می رسد و جامعه در مرحله بالاتر از رشد زندگی خود را آغاز می کند. ما باید این روند را به وضوح درک و تصور کنیم. در غیر این صورت، بشریت با تجربه این روند زندگی می کند و نتیجه گیری غلطی وجود خواهد داشت که این یک روند بی پایان است. از نظر ما، مدت "دوره انتقالی" یا دقیق تر "مرحله متوسط" [مرحله طی فرایند از گذشته به آینده یا از فرهنگ و اجتماعی به فذهنگ و اجتماع دیگر] که برای حرکت از آن ضروری است یک نظم سیاسی اجتماعی و اقتصادی به نظم بعدی، با ظهور یک سیستم اقتصادی، اجتماعی، سیاسی جدید و روند توسعه پایدار پایان می یابد. ایده مفهومی در اینجا این است که بشریت فقط از طریق "دوره گذار" زندگی نمی کند، بلکه همانطور که آغاز آن را دارد، "پایان" خود را نیز دارد. این "پایان" درجات پیشرفت را نشان می دهد و تشخیص یک رژیم از رژیم دیگر را امکان پذیر می کند. پایان دوره انتقالی با شرایط عادی کار سیستم جدید به پایان می رسد. در این شرایط، عملکرد پایدار سازوکارهای سیستم اقتصادی اجتماعی، اقتصادی جدید در حوزه های مختلف آن زمان، در سطح نیازها و سطوح توسعه، آزاد خواهد شد. به عبارت دقیق تر، از نظر زمان، روند توسعه پایدار در زندگی دولت رخ می دهد. (Salimov, ۲۰۲۰, P:۱۲)

در دوره انتقال که مصادیق آن مدرنیسم و جهانی سازی و... است؛ با اعضای جامعه ای مواجه هستیم که در سردرگمی به سر می برند و تلاش می کنند مؤلفه ها سبک زندگی مدرن را سرلوحه قرار دهند و به موازات آن هنجارهای سنتی خود را نیز حفظ کنند. آنها دیگر یا نمی خواهند و یا به دلیل هم رنگ شدن و هماهنگ شدن با تغییرات اجتماعی نمی توانند مانند گذشته از ارزش ها و سنت جامعه خود تبعیت کنند و اینجا نقطه آغاز تعارضات اجتماعی و فرهنگی افراد با جامعه خوشان است و این اعضای جامعه فردگرایی مدرن را پذیرفته اند. در چنین شرایط و سطح از تعارضات اجتماعی و فرهنگی فرد، فشارهای اجتماعی زیادی را تحمل می کند و دچار سرخوردگی و صدمه های روحی ناشی از آن خواهد شد. بر این اساس برای تبیین ابعاد مختلف آن در سطح کلان می توان از تئوری بی سازمانی اجتماعی بهره گرفت. تئوری مذکور بر پایه فرم کنترل غیررسمی یا ثمربخشی جمعی متمرکز است. یعنی قابلیت نظارت موثر به مسائل جامعه و نظارت اعضای جامعه برای حفظ ارزش ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی. مفروض این نظریه این است که اگر این سازوکارهای نظارتی اعضای جامعه ضعیف شوند و تعارضات فرد با جامعه افزایش یابد، جامعه قابلیت و ظرفیت خود را برای جلوگیری از کجروی و کنترل جرم از دست خواهد داد. شدت این نظارت و همبستگی جامعه با مشکلات وسیع و در سطح کلان از قبیل؛ فقر، صنعتی شدن، تحولات جمعیت رابطه عکس دارد. یعنی هرچقدر میزان نابه سامانی و بی سازمانی اجتماعی بالاتر باشد شدت این نظارت اجتماعی و همبستگی کمتر می شود و در صورتی که این مشکلات کاهش پیدا کند و رفاه اجتماعی بالاتر باشد، شدت همبستگی و کنترل غیر رسمی افزایش پیدا می کند. (محسنی تبریزی، سلیمانی ۱۳۸۹، ص ۳۰) همین کاهش شدت همبستگی و کنترل غیر رسمی، زمینه شکل گیری خرده فرهنگ ها، کجروی و انحراف را فراهم می آورد و موجب افزایش نرخ ارتکاب جرم در جامعه خواهد شد و وظیفه اصلی پیش گیری رشدمدار، پیشگیری از این تعارض و تناقضات ناشی از مدرنیسم، جهانی سازی، خودباختگی فرهنگی، شخصیت زدایی و... و به تبع آن از میان برداشتن زمینه های شکل گیری خرده فرهنگ ها، کجروی و انحراف است. تبیین عوامل جرم زایی که در فوق

به آن اشاره کردیم، در کنار علت شناسی شکل گیری پدیده دوره انتقال در گستره فوق الذکر، می تواند راهنمای مناسبی جهت برنامه ریزی در حوزه پیش گیری رشدمدار باشد.

۳- روش تحقیق :

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ گردآوری اطلاعات، روش اسنادی و از طریق مطالعه مراجع و منابع معتبر انجام شده و اطلاعات به دست آمده به صورت توصیفی- تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۴- یافته ها :

۴-۱ مبانی افزایش میزان ارتکاب جرایم در دوره انتقال :

مبانی افزایش میزان ارتکاب جرایم در دوره انتقال شامل شکل گیری خرده فرهنگ ها، برچسب زنی، نظریه های تضاد، نظریه بی سازمانی اجتماعی، فمینیسم و مفهوم عصیبت می باشد که در ذیل این مبانی را تحلیل می کنیم :

۴-۱-۱ شکل گیری خرده فرهنگ ها :

از آسیب های دوره انتقال ایجاد خرده فرهنگ های مختلف در جامعه است. واژه "Culture"، از لغت "Cult" و "Cultivate" به معنی پرورش گیاهان و زمین گرفته شده است. (رفیع پور، ۱۳۸۷، ص ۲۹۴) در جامعه شناسان در مورد فرهنگ معتقدند: «مورد این معنا نخستین و قدیمی ترین معنای فرهنگ است که در سده پانزدهم استفاده می شد. معنای دیگر در آغاز سده شانزدهم شکل گرفت و در آن مفهوم پرورش از حوزه جانوران و گیاهان به حوزه های انتراعی تری از جمله ذهن انسان گسترش یافت. تعریف دیگر از فرهنگ ریشه در اندیشه عصر روشنگری دارد. در واقع در سده هجدهم نویسندگان این واژه را برای اشاره به روند دنیوی توسعه اجتماعی به کار می بردند؛ چون براین باور بودند که روند رشد و تکامل انسان روندی تاریخی و تک راستاست و همه جوامع آن را طی خواهند کرد. اما تعریفی که در سال های اخیر از تاثیرگذارترین تعاریف در علوم اجتماعی و کل علوم انسانی بوده است، دلالت بر معانی مشترک میان گروه ها و ملت ها دارد. بنابراین تعریف، فرهنگ مجموعه ای از کنش هاست که به واسطه آن ها معانی در قالب یک گروه، تولید و مبادله می شوند». (باکاک، ۱۳۸۶، ص ۳۷) آنچه که ابتدا از مفهوم فرهنگ متبادر به ذهن می شود، عناصری چون زبان و مذهب و آداب و رسوم است که به عنوان مؤلفه های تشکیل دهنده فرهنگ شناخته می شود، اما در مفهومی کامل تر همگی هنجارها و ارزش های حاکم بر جامعه در کنار این عوامل مطرح می شوند. هنر، تکنولوژی و ساختار اقتصادی هم به گستره مؤلفه های تشکیل دهنده فرهنگ اضافه می شود. علاوه بر فرهنگ کلی حاکم بر هر جامعه، طبقات، قشرها و گروه های مختلف جامعه نیز دارای فرهنگ ویژه خود هستند که «ریزفرهنگ» یا «خرده فرهنگ» خوانده می شود. (رفیع پور، ۱۳۸۷، ص ۲۹۴)

جرم شناسان معتقدند: «در واقع، خرده فرهنگ به ارزش ها و هنجارهای متناقض و متفاوت با ارزش ها و هنجارهای گروه اکثریت که یک گروه درون جامعه ای بزرگ تر داراست، گفته می شود. خرده فرهنگ ها قابل شناسایی و تغییر هستند و بیشتر به ارزش های گروه اقلیت گفته می شوند. دایره المعارف علوم اجتماعی در تعریف خرده فرهنگ می نویسد: ریز فرهنگ-خرده فرهنگ-فرهنگ جزئی، بدان فرهنگ گروهی در مقایسه با فرهنگ کلی یک جامعه نیز اطلاق می شود و شیوه ها و مناسکی است خاص گروهی از مردم در بطن یک جامعه و فرهنگ، گروه های سنی، قومی و... در مواردی چنان شناسنامه های خاص می یابند که در برابر فرهنگ کل جامعه مقاومت می نمایند.»

ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۷۹۴) «رابرستون» خرده‌فرهنگ را گروهی تعریف می‌کند که با وجود اشتراکات در یک فرهنگ جامعه از یک جامعه مشترک دارای ارزش‌ها، هنجارهای خود نیز می‌باشند. «(رابرستون، ۱۳۷۲، ص ۴۲۳) در فرآیند گذار از یک فرهنگ اقتصادی و اجتماعی به فرهنگ اقتصادی و اجتماعی دیگر و وقوع پدیده از «خوددلی» و گرایش به فرهنگ دیگر، شاهد ایجاد گروه‌های اجتماعی جدیدی هستیم که با فرهنگ غالب و عام جامعه در تناقض و تعارض قرار می‌گیرند. بدین سبب به دلیل پایداری که اعضای خرده فرهنگ‌ها به اصول و ارزشهای «خرده فرهنگ» خود دارند و به علت اینکه ممکن است از سوی جامعه مورد سرزنش و نکوهش قرار بگیرند؛ زمینه ارتکاب اعمال ضد هنجارهای جامعه در سطح کجروی یا در سطح بالاتر کجروی‌های جرم‌انگاری شده یا اعمال مجرمانه فراهم می‌گردد و این موضوع با «برچسب زنی» از سوی اعضای جامعه که از فرهنگ غالب پیروی می‌کنند، تسریع می‌شود.

۴-۱-۲ برچسب زنی

نظریه برچسب‌زنی^۲ فرایندی می‌باشد که در طول تکوین آن، از نظر جامعه تعدادی از اعضای آن منحرف نامیده می‌شوند. فرآیند برچسب‌زنی موجب می‌شود؛ علاوه بر اینکه بخشی از اعضای جامعه از اجتماع انسانها رانده می‌شوند، در این شخص هنجارها و ارزش‌ها گسسته شده و میل به کجروی در او افزایش می‌یابد. در حقیقت، در روند برچسب‌زنی علاوه بر اینکه فردی که برچسب خورده خود را خارج از جامعه و در تناقض و تعارض با آنها می‌بیند؛ کجروی وی منجر به ارتکاب افعال مجرمانه شده و ترجیح می‌دهد که معاشرت خود را با گروهی که به لحاظ ماهوی خود را مستقل از اجتماع می‌دانند ولی به لحاظ شکلی و ظاهری در اجتماع حضور دارند؛ بر این اساس این هم‌نشینی عموماً تحت عنوان خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه یا خرده‌فرهنگ‌های بزهکاران جوان بروز پیدا می‌کند. (معظمی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۹) درست در این شرایط تنفر از خود و فرهنگ و جامعه خودی تقویت و گرایش به جوامعی که با سبک زندگی خرده فرهنگ مطرود شده تناسب دارد، بیشتر می‌شود و فرآیند دوره انتقال را در مورد خرده فرهنگ‌های متضاد با فرهنگ عمومی شکل داده و تسریع می‌کند؛ خواه این موضوع آگاهانه از سوی جامعه صورت گیرد خواه نا آگاهانه. مطابق این نظریه، توصیف‌ها یا طبقه‌بندی‌های ناخواسته، اعم از واژگانی که به انحراف، ناتوانی، یا تشخیص یک اختلال روانی مربوطند، می‌توانند عمدتاً با تلاش برای جایگزین کردن‌شان با یک زبان ساده‌تر، برپایه این که صرفاً «برچسب‌هایی هستند، رد شوند. مثلاً «نگ» به یک برچسب نیرومند منفی تعبیر می‌شود، که می‌تواند دیدگاه شخص راجع به خود، و هم‌چنین هویت اجتماعی‌اش را دگرگون کند. (پیترورسلی، ۱۳۸۸، ص ۳۸۰) بنابراین کسی که در فرآیند «دوره انتقال» و رویگردانی از سنت‌های جامعه خویش به سوی فرهنگ بیگانه قرار می‌گیرد؛ علاوه بر قرار گرفتن در گروه خرده فرهنگ‌های یک جامعه، با پدیده برچسب‌زنی شرایط وی را به سمت گرایش به کجروی و نقض قوانین حاکم بر جامعه و در سطح شدید آن گرایش به ارتکاب جرم سوق داده می‌شود.

۴-۱-۳ نظریه‌های تضاد

یک از مبانی شکل‌گیری فرآیند دوره انتقال، تئوری‌های تضاد است. می‌توان مارکس، زیمل و وبر را جزء پایه‌گذاران نظریه تضاد دانست. در همین راستا مبانی نظریه‌های تضاد آنها آنقدر مستدل و علمی است که اثرات عمیقی بر علم جامعه‌شناسی گذاشته است. برای اثبات یا نفی وجود تضاد در اجتماع لازم است به روزمره مردم

^۲ Labeling Theory

توجه کرد. علیرغم تفاوت‌ها و شباهت‌هایی که جوامع متضاد با هم دارند، یک وجه اشتراک بین همه آنهاست و آن وجود تضاد بین بخشی از جامعه و اجتماع و فرهنگ غالب است. از باب مثال، انقلاب به عنوان یک پدیده فراگیر (نمودی از بالاترین سطح تضاد و تغییرات گسترده اجتماعی و فرهنگی) در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت رخ می‌دهد که عمدتاً در اثر وجود تضادهائی بین گروه‌های درگیر در این پدیده است. عده‌ای از جامعه‌شناسان بر این باورند که یک عامل در همه این پدیده‌ها مشترک است و آن وجود تضاد به عنوان موتور محرک انقلابات است. (لهسائی زاده، ۱۳۸۷، صص ۲۷-۲۸) البته لازم به توضیح است که انقلابات در جوامعی اتفاق می‌افتد که بالاترین و شدیدترین سطح از دوره انتقال محقق می‌شود. مثال دیگری که برای تئوری تضاد وجود دارد که با ویژگی‌های دوره انتقال نیز تطبیق دارد، ظهور فمینیسم افراطی در جوامع مردسالار و پدرسالار است که در نتیجه تضاد یک فرد با جامعه خود به وجود می‌آید. در این خصوص نیز شاهد پدیده از خودبدآیی و گرایش به فرهنگ و جامعه جایگزین خواهیم بود.

۴-۱-۴ نظریه بی‌سازمانی اجتماعی

از مبانی نظری دیگری که در شکل‌گیری فرآیندها دوره انتقال و افزایش جرایم در این دوره مطرح است نظریه بی‌سازمانی اجتماعی است. جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان معتقدند: «در جامعه‌شناسی، نظریه بی‌سازمانی اجتماعی یکی از مهم‌ترین نظریه‌های توسعه یافته توسط در مکتب شیکاگو است. بی‌سازمانی اجتماعی اغلب در دوره‌های تغییرات سریع اجتماعی رخ می‌دهد و همیشه با افزایش شدید نرخ جرم و جنایت همراه است. نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی کاهش کارآیی نهادهای اجتماعی مانند خانواده و تضعیف تقیدهای خویشاوندی به عنوان نیروهای غیر رسمی کنترل اجتماعی [که از ارکان دوره انتقال نیز هست]، هم‌چنین کاهش انسجام سنتی اجتماعی که پی‌آمد رشد سریع صنعتی شدن، شهرنشینی و مهاجرت فزاینده به سوی حوزه‌های شهری است را باعث افزایش جرایمی هم چون: قتل، سرقت، انحرافات جنسی و اعتیاد می‌داند. سه نوع عمده بی‌سازمانی اجتماعی وجود دارد:

۱- بی‌هنجار: در وضعیت بی‌هنجاری مقرراتی وجود ندارد که تعیین کند چگونه باید رفتار کرد.
 ۲- ستیز فرهنگی: در وضعیت ستیز فرهنگی حداقل دو مجموعه مقررات متضاد وجود دارد که چگونگی رفتار را معین می‌کند در چنین وضعیتی کنشگران از طریق عمل به یک مجموعه‌ای از هنجارها، از دیگر مجموعه‌ای از هنجارها تخلف می‌کنند.

۳- اختلال: حالت دیگری از ستیز فرهنگی است و زمانی روی می‌دهد که مقررات وجود دارد اما همنوایی با آنها یا پاداش‌های تعهد شده را تأمین نمی‌کند یا برعکس به مجازات ختم می‌شود. (صادقی، صادقی، ۱۳۹۵، صص ۶ و ۷) یکی از مبانی که مفهوم دوره انتقال را توجیه و اثبات می‌کند بی‌سازمانی اجتماعی است. در مفهوم دوره انتقال به دلیل چرخش از فرهنگ خودی به فرهنگ بیگانه درکنار «ازخودبدآیی» که در جامعه رقم می‌خورد، دلیل شکل‌گیری آن، نوعی بی‌سازمانی است.

همچنین جرم‌شناسان تأکید می‌کنند که: «در این فرآیند ارزش‌های سنتی فرهنگ قومی توان متقاعدسازی نوجوانان و جوانان را نداشته و آنان به یک وضعیت حاشیه‌ای کشیده می‌شوند. در نتیجه، فاقد هویت‌های گروهی و مرجع‌هایی می‌شوند که آنان را به سمت رفتاری که در جامعه مورد پذیرش است سوق دهد. در چنین شرایطی، گروه‌های هم‌سال و گروه‌های هم‌سال بزهکار جای خالی را پر کرده و راه‌حلی برای خروج از این وجود حاشیه‌ای ارائه می‌دهند. در وضعیت‌هایی که هیچ گروهی به عنوان یک گروه مرجع در صحنه حاضر نباشد، تداوم انزوا و

تنهایی، موجب ارتکاب رفتارهای بزهکارانه ای نظیر: استفاده از مواد مخدر و انحرافات جنسی و... می شود.» (صادقی، صادقی، ۱۳۹۵، ص ۹) بنابراین برای پیشگیری از بی‌سازمانی اجتماعی در دوره انتقال متصدیان فرهنگی باید «گروه مرجع» در حوزه فرهنگی و تمدنی در جامعه تعریف کنند تا از این ره‌آورد به کنترل آسیب‌های دوره انتقال فائق آییم .

۵-۱-۴ فمینیسم

برخی مکاتب و نظریات موجب شکل‌گیری دوره انتقال می‌شود. یکی از مهمترین و عمده‌ترین این نظریات «فمینیسم» است. برخی حقوقدانان معتقدند: «جرم‌شناسی و فمینیسم هر دو مدعی اصلاح قوانین و مقررات در راستای بهبود وضعیت زنان هستند. جرم‌شناسی با بررسی علل وقوع جرم و نقد و ارزیابی مقررات سیستم عدالت کیفری و فمینیسم با ارائه کاستی‌های مقررات در زمینه حقوق زنان. فمینیسم یکی از شاخه‌های اساسی جرم‌شناسی انتقادی می‌باشد. فمینیسم جنشی است که تنها به دنبال کسب برابری اجتماعی برای زنان نیست بلکه به دنبال رفع انواع تبعیض‌های جنسیتی، نژادی و طبقاتی است» (درازی، حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۸، ص ۱) اگر در جوامع «مرد سالار» یا «پدر سالار» تناقض و تعارضات رسوخ اندیشه‌های فمینیستی با جامعه و فرهنگ حاکم حل نشود، شاهد پدیده «از خود بد آیی» و گرایش به جوامع دیگر که مطلوبیت اندیشه‌های فمینیستی بالاتر است؛ در میان بخش عمده‌ای از جامعه (حدوداً نیمی از جامعه) خواهیم بود که یکی از مصادیق دوره انتقال است. عدم احساس رضایت و مطلوبیت بین دختران جوان و نوجوان می‌تواند زمینه شکل‌گیری دوره انتقال را در بعد فرهنگی آن فراهم آورده و با پدیده بچسب زنی تقویت شود.

۶-۱-۴ عصبیت

مفهوم عصبیت یعنی حمایت و طرفداری و مدافعه از کسی که به شخصی وابستگی داشته باشد. (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۲۸۲) معنی عصبیت در فرهنگ معین تعصب آمده است. (معین، ۱۳۸۳، ص ۶۴۳) از نظر ابن‌خلدون اعضای جامعه به هم پیوسته اند در هر جامعه‌ای که فاقد این پیوستگی باشد، محکوم به نابودی است. عصبیت از نظر ابن‌خلدون، با مفهوم امروزی جامعه‌شناختی همان همبستگی^۳ است جامعه‌شناسان معتقدند: عصبیت همکاری با یکدیگر است و در بین جامعه‌ای محقق می‌شود پیوندهای آن، آنان را به هم نزدیک کند. مانند عوامل خویشاوندی، آئینی و یا هم‌فکری در یک عقیده سیاسی. (لاگوست، ۱۳۸۶، ص ۳۲۱) از دیدگاه جرم‌شناسی بالاترین سطح تعارض در دوره انتقال و افزایش ارتکاب جرم در این دوره، تهدیدکننده امنیت ملی است و جرم‌شناسان اعتقاد دارند مسئله یکپارچگی اجتماعی، نظام مدیریت امنیتی را سازماندهی می‌کند. ضعف یا ناکامی کشورها در این سازماندهی گروه‌های اجتماعی مختلف (عصبیت) و ایجاد نیروی سیاسی - اجتماعی یکپارچه، تهدیدات امنیتی به دنبال دارد و زیرساخت‌های کلان سیاسی را دچار گسست می‌کند و این از هم‌گسیختگی بنیادهای اجتماعی و مشکلات اساسی را در جهان سوم به همراه دارد و امنیت ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهد به همین دلیل از اهمیت بنیادین برخوردار است. (فکوهی، ۱۳۸۰، ص ۱۶) در فرآیند «دوره انتقال» شکل‌گیری خرده فرهنگ‌ها و تسریع بزهکاری افرادی که در این گروه قرار می‌گیرند با پدیده جرم‌شناختی «بچسب زنی»، این روند با شدت گرفتن سبب بروز «عصبیت» در درون خرده فرهنگ‌ها می‌شود و فرصت وجود عصبیت در جهت منافع ملی را به تهدید و شکل‌گیری عصبیت منفی و علیه امنیت ملی تبدیل می‌کنند و همچنین زمینه ارتکاب کجروی، مفهوم مطلق جرایم و در بالاترین سطح

^۳ solidarity یا Association

جرايم عليه امنيت جامعه و بروز اختشاش و ايستادن در برابر حاکميتي خواهد شد که نماينده فرهنگ غالب جامعه است. اين عصبيت در صورتي که در جامعه تشديد شود و حاکميت ناشي از فرهنگ غالب برای آن چاره انديشي نکند و کودکان و نوجواناني که در پروسه دوره انتقال قراردارند را به حالت تعادل و دوري از تندرؤي هدايت نکرده و آن را تشديد نمايد، مي تواند به مرحله نفرت پراکني نيز برسد.

۲-۴- تحليل نقش پيشگيري رشد مدار در کاهش نرخ بزهکاري کودکان و نوجوانان

با توجه افزايش ارتکاب جرايم توسط اطفال و نوجوانان در دوره انتقال، راهبرد هاي پيشگيرانه امري ضروري است. پيشگيري رشد مدار از همان آغاز سنين کودي و نوجواني اعمال مي شود. (صالحی، ۱۳۹۶، ص ۱) در خصوص مفهوم پيشگيري و خصوصيات آن تعاريف متعددي ارايه گرديده است. در يک تعريف، «موريس کوسن» جرم شناس کانادايي پيشگيري را چنين تعريف نموده: «مجموعه اقدام هاوتدابيرغيرقهرآمیز که باهدف خاص مهاربزهکاري، کاهش احتمال جرم و کاهش وخامت جرم پيرامون علل جرايم اتخاذ مي شود».^۴ پيش گيري رشد مدار زير مجموعه پيشگيري اجتماعي و با هدف صيانت از تکوين شخصيت طفل و نوجوان در بازه زماني است که احتمال کجروي و بزهکاري بالاتر است. پايان پيشگيري رشد مدار، پايان دوره تربيت و شکل گيري شخصيت طفل و نوجوان است. (قهرماني افشار، ۹۵، ۱۳، ص ۶۸) به عبارت ديگر: « اين رهيافت در بي آن است که علاوه بر افراد، محيط هاي شخصي و عمومي پيرامون آنان را نيز درگير کند تا از تداوم رفتار جنايي افراد در معرض خطر جلوگیری شود. بنا بر اين، پيشگيري اجتماعي رشد مدار به دنبال آن است که با مطالعه کودکان و نوجوانان و استفاده مناسب از ساز و کار حمايتي موجود در محيط خانواده و مدرسه، دانش آموزان مسئله دار را به سوي همنوایی با قواعد اجتماعي سوق دهد.» (رجبي پور، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵) با اين تعريف پيشگيري رشد مدار علاوه بر پيشگيري اجتماعي و وضعي در جامعه که ذيل پيشگيري غيرکيفري تعريف مي شود، مي تواند مناسبترين گزينه برای پيشگيري از جرم و افزايش آن در دوره انتقال باشد؛ چرا که دوره انتقال يک فرايند است که داراي بازه زماني است و در اين بازه زماني که مي تواند در هر فرد يا جامعه متفاوت باشد و اصولاً در دوره کودي و نوجواني شکل مي گيرد، بهترين فرصت را در اختيار سياستگذاران جنائي قرار مي دهد تا در دروه زماني تکوين « دوره انتقال » از آن پيشگيري نمايند. محور پيشگيري رشد مدار در دوره انتقال آموزش و تبين نقاط مثبت فرهنگ و اجتماع طفل و نوجوان و ايجاد قدرت تحليل تفاوت هاي فرهنگي و شناساندن افتخارات و جذابيت هاي مختلف ملي و مذهبي جامعه و فرهنگ حاکم است.

از منظر جرم شناسان: « پيشگيري رشد مدار ناظر گروه خاص کودکان و نوجوانان کم سن و سال و مکانهاي جامعه پذيري آنان (مانند خانواده، مدرسه و گروه همسالان) مي باشد و هدف آن از بين بردن يا بهبود عوامل خطري که کودکان در معرض آن هستند و ايجاد عوامل حمايتي که مقاومت افراد را در مقابل پذيرش و پيشه کردن رفتارهاي مجرمانه در آينده تقويت مي کنند.» (متولي زاده، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳) کاربست پيشگيري رشد مدار از منظر انديشمندان فقهي و آموزه هاي قرآني اين است که بهره مندي از آموزه هاي اسلامي و پيوند تربيت کودک با احکام دين زمينه هاي استحکام اندیشه هاي ديني را در سير شکل گرفتن شخصيت وي را فزاهم مي آورد و در اين جهت، زمينه هاي پيشگيري از گسست از ارزشهاي حاکم بر جامعه او در آينده را فراهم مي نمايد. تزکيه و تقوي و دوري از خود برتر بيني که به عنوان دو عنصر تأثيرگذار در

^۴ - با توجه به تعاريف متعددي که از پيشگيري صورت گرفته است، به طور کلي مي توان چند ويژگي عمده برای پيشگيري احصاء نمود: ۱. غيرقهرآمیز بودن تدابير؛ ۲. اختصاصي بودن اقدامات؛ ۳. کاستن آثار جرم؛ ۴. در نظر گرفتن عوامل خطرو محيط اجتماعي (اکرمي، اکرمي، ۱۳۹۵، ص ۲).

کجروی شناخته شده، از آغاز کودکی و در سال‌های اولیه زندگی باید در کودک نهادینه شود که این امکان جز از طریق تربیت دینی و مذهبی فراهم نمی‌گردد (رشادتی، ۱۳۸۷، ص ۶۳) نهادهای مسئول در پیشگیری رشد مدار باید مؤلفه‌هایی که ممکن است در سیر شکل‌گیری شخصیت فرد از کودکی و نوجوانی تا زمانی که وارد اجتماع می‌شود، شناسائی کرده و برای چالش‌های ذهنی و روانشناسی کودکان و نوجوانان پاسخ‌های مناسبی ارائه دهند. آموزش و تقویت قدرت استدلال در کودکان و نوجوانان در برابر کاستی‌های تمدنی، آثار مخرب رسانه‌های معاند، گسست باورها و ارزش‌های دینی و بومی و ملی، از خود بیگانگی، سردرگمی و ... در کنار رفع ریشه‌های آسیب‌های مذکور در فوق می‌تواند راه برون‌رفت از چالش‌هایی باشد که در دوره انتقال پدید می‌آید.

کابرد پیشگیری رشد مدار در دوره انتقال و حساس‌ترین بازه زمانی تکوین شخصیت اعضای جامعه حائز اهمیت است. بر مبنای آموزه‌های جرم‌شناسی: مهمترین پایه پیشگیری رشد مدار، آموزش و پرورش در هر کشور و تمدنی است که از اهمیت بسزایی برخوردار است. اگر کودکان و نوجوانان به‌کجرویی و فاصله گرفتن از ارزشهای جامعه خود گرایش داشته باشند؛ با مداخله زودرس نسبت به جامعه پیرامون از تبدیل طفل و نوجوان به بزهکار پایدار در آینده پیشگیری خواهد شد. (گات فردسون و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۳۷۷) این «شکل‌گیری فرهنگ غالب همسالان» در بازه‌های زمانی مختلفی در تاریخ، همواره با بحران‌ها و تغییرات اجتماعی و فرهنگی دفعی و تدریجی همراه بوده است که از خصائص «دوره انتقال» و افزایش نرخ جرم در این دوره؛ از دیدگاه در جامعه‌شناسی جنائی است.

۵- جمع بندی و نتیجه گیری:

دوره انتقال مفهومی است که با حقایقی که در متن این مقاله به آنها اشاره کردیم، واقعه‌ای اجتناب‌ناپذیر است که در جامعه فاقد سیاست جنائی مناسب، سیر طبیعی خود را طی می‌کند. اما عملکرد غلط و استراتژی نامناسب حاکمیت و مسئولان می‌تواند آن را تسریع کند و توسعه دهد یا حتی در مواردی، بی‌مبالاتی در حکمرانی ممکن است دوره انتقال را بصورت تصنعی در جامعه رقم بزند. هدف از پیشگیری رشد مدار در کنار علت‌شناسی آسیب‌های ناشی از دوره انتقال و رفع آنها، کنترل ذهنی و روانی کودکان و نوجوانان و پیشگیری از از خود باختگی، سرخوردگی، گسست اجتماعی و فرهنگی با ارزشهای جامعه‌ای است که آنها در آن زندگی می‌کنند. پیشگیری رشد مدار در دوره انتقال، تدابیر پیشگیرنده‌ای است که از شکل‌گیری «خرده فرهنگ‌های» بیگانه در جامعه ایرانی-اسلامی جلوگیری می‌کند. نادیده گرفتن این خرده فرهنگ‌ها در صورت عدم توجه به ابعاد مختلف نظریه «پنجره شکسته» و «بی‌سازمانی اجتماعی» و رفتارهای جرم‌زا مانند «برچسب زنی» به آنها ممکن است منجر به «عصبیت» در جامعه شود، آن هم عصبیتی نه در راستای تقویت منافع ملی؛ بلکه عصبیتی که علیه امنیت و منافع ملی شکل می‌گیرد. در این صورت بروز تضادهای اجتماعی، اختشاش و آشوب، آسیب به نظم عمومی و امنیت جامعه اجتناب‌ناپذیر است. این پدیده چالش‌آفرین می‌تواند با «یادگیری اجتماعی»، «دولت مجرم»، «ضعف رسانه‌های داخلی»، «اقدامات جرم‌زای رسانه‌های معاند»، «ضعف آموزش و پرورش» و ... تشدید شده و همانطور که پیش‌تر اشاره شده کودکان و نوجوانان را که در سیر تکامل شخصیتی هستند دچار «از خود بدآیی» یا «دوره انتقال تصنعی» می‌نماید. نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت این است که بدون رفع علل افزایش جرم در دوره انتقال و پیشگیری‌های اجتماعی و وضعی و اصلاح ساختار حاکمیتی نمی‌توانیم شاهد پیشگیری رشد مدار موفقی در عرضه آموزش باشیم.

پیشنهاد‌های مقاله:

در خصوص مقوله پیشگیری رشد مدار از بزهکاری کودکان و نوجوانان در دوره انتقال راهبردهای ذیل پیشنهاد می شود:

- ۱- آموزش و تبیین نقاط مثبت فرهنگ و اجتماع طفل و نوجوان و ایجاد قدرت تحلیل تفاوت های فرهنگی و شناساندن افتخارات و جذابیت های مختلف ملی و مذهبی جامعه و فرهنگ حاکم.
- ۲- اصلاح نابه سامانی های موجود در جامعه ای که مبتلا به مفهوم دوره انتقال است و اصلاح ساختار حاکمیتی و توزیع ثروت در جامعه و اختصاص فرصت های برابر برای همه افراد جامعه و همچنین ارتقای سطح زندگی و جذابیت های آن برای جامعه هدف علی الخصوص اطفال و نوجوانان در جهت کاهش آسیب های دوره انتقال و پیشگیری از ازخودباختگی فرهنگی .
- ۳- بکارگیری همه جانبه نهادها و ارکان حاکمیت به طور ویژه در حوزه آموزش و ایجاد هماهنگی و سازماندهی آنها و مدیریت یکپارچه نهادهای مذکور در باب سیاست جنائی هوشمند و مؤثر.

منابع :

کتاب :

- باکاک، رابرت؛ (۱۳۸۶) ، صورت بندی های فرهنگی جامعه مدرن، مهران مهاجر، انتشارات آگه، تهران، چاپ اول ،
- پیترورسلی ، (۱۳۸۸) ، نظریه های جامعه شناسی نظم، مترجم سعید معیدفر، انتشارات جامعه شناسان، تهران ،
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷) ، فرهنگ لغت دهخدا ، انتشارات ، تهران،
- رابرتسون ، بان ، (۱۳۷۲) ، درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد،
- رشادتی، جعفر، (۱۳۸۷) ، پیشگیری از جرم در قرآن، انتشارات دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا ، تهران ،
- رفیع پور، فرامرز؛ (۱۳۸۷) ، آناتومی جامعه، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ پنجم،
- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰) ، دایره المعارف ها علوم اجتماعی، انتشارات کیهان، تهران،
- شریعتی ، علی ، (۱۳۹۴) ، ویژگی های قرون جدید ، انتشارات چاپخش ،
- فکوهی، ناصر، (۱۳۸۰) ، قوم شناسی سیاسی، نشر نی، تهران ،
- گات فردسون ، دنیس سی؛ کوک ، فلیپ جی و چونگمین نا ، (۱۳۹۴) ، دانشنامه پیشگیری از جرم آکسفورد . به کوشش حمیدرضا نیکوکار . تهران . انتشارات میزان . چاپ اول ،
- لاگوست، ایو، (۱۳۸۶) ، جهان بینی ابن خلدون، ترجمه مهدی مظفری، تهران، سهامی انتشارات ،
- معظمی، شهلا ، (۱۳۸۸) ، بزهکاری کودکان و نوجوانان، موسسه انتشارات دادگستر، تهران،
- معین، محمد، (۱۳۸۳) ، فرهنگ لغت معین، انتشارات زرین ، تهران، سال ،

مقالات :

- اکرمی ، سعیده ، اکرمی ، سام ، (۱۳۹۵) ، پیش گیری غیر کیفری در جرایم اینترنتی ، دومین کنفرانس چهارسوی علوم انسانی ،

- درازی، سمیه؛ حاجی ده آبادی، محمد علی، (۱۳۹۸)، نقد و بررسی جرم‌شناسی فمینیستی، دومین کنگره بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی و اسلامی
- رجیبی‌پور، محمود، (۱۳۸۷)، بزهکاری دانش‌آموزان و امکان پیشگیری اجتماعی رشد مدار (از دیدگاه کارشناسان آموزش و پرورش)، فصلنامه دانش انتظامی، سال دهم، شماره دوم،
- سراج زاده، سید حسین؛ بابائی، مینا، (۱۳۸۹)، جهانی شدن، فرهنگ جهانی و کجروی فرهنگی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۸،
- صادقی، حجت‌الله و صادقی، شکوفه، نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، جرم و آسیب اجتماعی، همایش پایش جرایم و آسیب‌های اجتماعی و راهکارهای پیشگیرانه، فارسان، ۱۳۹۵،
- صالحی، بهرنگ، (۱۳۹۶)، پیشگیری رشد مدار از ارتکاب جرایم توسط اطفال و نوجوانان، همایش ملی پیشگیری از جرم در قلمرو مطالعات حقوق کیفری، علوم اجتماعی و انتظامی، کرج، معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری کل استان البرز،
- قهرمانی افشار، نیوشا، (۱۳۹۵)، پیش‌گیری رشد مدار؛ بررسی فقهی و حقوقی (ایران و انگلستان)، فصلنامه علمی-پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی سال نهم، شماره دوم،
- لهسایی زاده، عبدالعلی، (۱۳۸۷)، نظریه‌های جدید در مکتب تضاد، مجله جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد آشتیان، شماره ۱۰،
- متولی‌زاده، نفیسه، (۱۳۸۶)، پیشگیری رشد مدار. فصلنامه مطالعاتی پیشگیری از جرم. سال دوم. شماره ۲
- محسنی تیریزی، علیرضا؛ سلیمانی، مهدی، (۱۳۸۹)، تبیین رابطه بین تغییرات اجتماعی - فرهنگی و تغییرات میزان جرم، نشریه مطالعات امنیت اجتماعی، دوره جدید، شماره ۲۴،
- Salimov , Sherzod , (۲۰۲۰) ,The Term "Transition Period" and its Features Of appearance , Article in International Journal of Humanities and Social Science